



مولانا شمس الدین خفّری

معرف: اشراق، محمد کریم

ادبیات و زبانها :: وحید :: خرداد 1352 - شماره 114

از 310 تا 318

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/238804>

دانلود شده توسط : مرتضی نجاتی جزه

تاریخ دانلود : 1393/04/13 21:43:49

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

محمد کریم اشراق (جمهوری)

دانشجوی دانشکده حقوق و علوم سیاسی

مولانا شمس الدین خفری

پس از یکدوره آشفته که میراث ناخست و تاز مغولان و تیموریان بود شاه اسماعیل صفوی، سراسر ایران را یکپارچه و سلطنت صفوی را بنیاد کرد.

با این دگرگونی سیاسی که ورود طبقات جدیدی را در عرصه حکومت سبب شد؛ در حوزه فرهنگ و حکمت و ادب؛ تحولی دامنه دار روی داد. به این معنی که اولاً شعر فارسی رنگ دیگری گرفت و در سبکی تازه تجلی یافت و در این زمینه شاهکارهایی که در حد خود بی مانند است برجای ماند. ثانیاً در زمینه معماری و نقاشی و تذهیب و خوشنویسی شیوه های دیگری پیدا شد. ثالثاً در قلمرو حکمت اسلامی که پس از خواجه نصیر طوسی (۵۹۷-۶۷۲ هـ) یکدوره بطئی و کند را می گذرانید، شارحان و صاحب نظران و اندیشمندان بزرگی پرورش یافتند و مکتب فلسفی اصفهان که نمایشگر آراء و افکار جدیدی بود ظهور کرد و جان تازه ای به کالبد فلسفه اسلامی بخشیده شد.

بی شک از پیشگامان این تحول ، مولانا خفری است و پس از خفری بود که ستارگان قدراولی چون آخوند ملاصدرا شیرازی صاحب اسفارو میرداماد صاحب قیسات آوازه یافتند . (۱)

مولد خفری

بخش خفر در شهرستان جهرم (فارس) واقعست و چندین دهستان آباد دارد. رودخانه قره آغاچ از این بخش می گذرد برنج و مرکبات و فلفل و خرما از جمله محصولات این بخش است. خفر سابقه تاریخی دارد. در الواح گلی مشکوف در تخت جمشید از آن بنام «کپرپتش» یاد شده است ، زیرا کارگران خفری در ساختن بنای تخت جمشید دست داشته اند . در دهستان آباد شاهپور و در آبادی تاودان خفر، آثار قدیمی وجود دارد. مورخان اسلامی نوشته اند قبر جاماسب حکیم در خفر است ، اکنون نیز بقعه ای منسوب به جاماسب در این محل باقیمانده است. (۲)

۱ - برای مطالعه تکامل و نضج فلسفه از این دوره به بعد ، رجوع شود به مقدمه فاضلانه استاد جلال آشتیانی بر: شواهدالر بویه ، صدرالدین شیرازی، طبع دانشگاه مشهد، ۱۳۴۶ . بخصوص برای شرح حال میرداماد به ص هشتاد و سه مقدمه این کتاب نگاه شود . ضمناً کتاب قیسات در ۱۳۱۴ قمری طبع شده (بهمت آقا شیخ محمود بروجردی) . همچنین ملاشمسای گیلانی و آقا جان مازندرانی بر قیسات شرح نوشته اند.

۲ - رجوع شود به آثار عجم ، فرصت شیرازی ، طبع بمبئی ، ذیل خفر. ضمناً در کتاب آثارالبلاد و اخبارالعباد نوشته شده جاماسب منجم، وزیر گشتاسب بود و بعد می افزاید: «وله بعد موته خاصیه عجیبه ، وهی ان قبره علی تل بارض فارس، وقدام التل نهر، فمن زار قبره من الولا کبأ یعزل ، واکثر الناس عرفوا تلك الخاصیه ، فاذا وصلوا الی ذلك النهر نزلوا ...» (طبع بیروت ، ۱۹۶۰، ص ۲۳۴-۲۳۵).

و اما اینکه در فرهنگ آنندراج ذیل کلمه خفر و خفرک نوشته شده « نام دو قصبه ایست در فارس . فاضل خفری ، عالم معروف از آن جا بوده . » . توضیحاً باید یاد آوری شود که خفرک و خفر دو منطقه جدا از هم است : فاضل خفری از خفر است ولی خفرک در شمال شیراز قرار دارد. ضمناً دهستان دیگری بنام خبر (xabr) در یزد است که فضلا و علمائی از آن برخاسته اند. (۱)

خفر جهرم نیز مولد فقها و علما و خوشنویسان بسیار است از جمله فقیه شیخ ابومحمد خفری متوفی ۴۲۶ هـ. ق و فقیه ابوالحکیم خفری متوفی ۴۷۶ هـ. ق (۲) و فضل بن حماد خفری فقیه قرن سوم هجری و زاهد معروف قرن هفتم نورالدین خفری و خوشنویس قرن سیزدهم عبدالملک خفری و عارف قرن هشتم علی خلیفه خفری و... (۳)

نام خفری

بعضی از کتب ترجمه و رجال ، نام خفری را به اشتباه ثبت کرده اند از جمله حاجی خلیفه در کشف الظنون و اسماعیل پاشا بغدادی در هدیه المعارفین و مرحوم امین در اعیان الشیعه (جز ۵، ص ۲۳۷).

۱- رجوع شود به : یادگارهای یزد ، ایرج افشار ، انجمن آثار ملی ، تهران ، ۱۳۴۸ ، ج اول ، ص ۳۱۹.

۲- رجوع شود به : ۱- الاکمال فی رفع الاریاب تألیف ابن ماکولا (متوفی ۵۴۷ هـ)، طبع حیدرآباد ، ۱۳۸۳ هـ ، جزء سوم ، ح ص ۲۰۱۵-طبقات الشافیه سبکی ، طبع مصر ، جزء چهارم ، ص ۲۰۳-۲۰۴ . ۳- انساب سمانی ، طبع حیدرآباد ، جزء سوم ص ۳۸-۴۰ . ۴- تاریخ آداب اللغة ، جرجی زیدان ، مجلد دوم ، ص ۲۵۷-۲۵۸.

۳- برای شرح حال و آثار هر یک از اینان رجوع شود به: بزرگان جهرم تألیف محمد کریم اشراق ، خیام ، تهران ، ۱۳۵۱ .

اما خفزی در مقدمه رساله «شرح الهیات تجرید» تصریح می‌کند که «فیقول الفقیر الی‌اله الفنی ، محمد بن احمد الخفزی» پس نام او بدون تردید محمد و نام پدرش احمد و لقبش شمس الدین است و بیشتر به لقب شهرت دارد و او را علامه و خفزی و فاضل خفزی و مولانا خفزی و خفزی (مطلق) هم خوانده‌اند .

استادان خفزی:

دستای از مؤلفان خفزی را از شاگردان مولانا جلال‌الدین دوانی (۱) خوانده‌اند از جمله مؤلف روضات الجنان . مؤلف هدیه المارفین خفزی را از شاگردان سعدالدین تفتازانی (متوفی ۹۲۸) دانسته، لیکن در کشف‌الظنون نام استاد خفزی مطلقاً سعدالدین ذکر شده. مرحوم شیخ عباس قمی او را شاگرد صدرالدین دشتکی معرفی کرده است. (۲)

همین مطلب در صدر ترجمه خفزی در کتاب مجالس المؤمنین ذکر شده. مرحوم سعید نفیسی «خفزی را از دانشمندان نامی قرن دهم و از شاگردان امیر صدرالدین محمد دشتکی» قلمداد کرده است. (۳)

سید محمد بن ابراهیم حسین شیرازی دشتکی معروف به صدرالحکماء، متوفی سال ۹۳۰، مؤلف کتب متعدد از جمله اثبات الواجب و رساله جذر الاصم است. (۴)

- ۱- برای شرح حال و آثار دوانی نگاه کنید به: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، فروردین - تیر ۴۹، شماره ۷۲ - ۷۳، ص ۴۵۰ - ۴۵۱ و همچنین به: ریحانة الادب، طبع سوم، ج ۲، ص ۲۳۲ - ۲۳۶.
- ۲- هدیه الاحباب، نجف، ۱۳۴۹ قمری، ص ۱۳۳.
- ۳- از تقریرات مرحوم سعید نفیسی در دانشسرای عالی.
- ۴- رجوع شود به: ریحانة الادب، ج ۳، ص ۴۲۶.

زندگی خفری :

مؤلف حبیب‌السیر خفری را از واعظان و اعیان و ائمه و اقطاب بلده فارس، شمرده است. قاضی نوراله شوشتری درباره خفری نوشته.

«شمس‌الدین محمد الخفری... از اعظم تلامذه صدرالحکماء میرصدر الدین شیرازی و درغایت علوفطرت و بلند پروازی است... نقلست که در اوایل زمان سلطان شاه اسماعیل... که مشایخ و محتسبان در هر شهر مردم را تعلیم احکام شرعیه برطبق مذهب حقه امامیه می نمودند و هر که مخالف می دانستند تکلیف لمن و برائت نسبت به صحابه ثلاثه که غاصبان حق اهل بیت اند می نمودند، روزی داماد مولانای مذکور مضرب حال، از در درآمد و به خدمت مولانا عرض نمود که این جماعت، مردم را تکلیف لمن خلفای ثلاث می کنند چکار کنم؟

مولانا فرمودند که برولمن بکن که دوسه عرب عامی جاف بوده اند و از بعضی افاضل... شنیده (شد) که چون پرتو دولت پادشاه مذکور در اقصای شروان و آذربایجان ظهور یافت، اکابر و افاضل اهل سنت که در بلاد عراق بودند، جلا می شدند، و از صولت او، از شهری به شهری فرار می نمودند، تا آن که در کاشان از قاضی و مفتی سنی نشان نماند، بالضروره اهل کاشان در مدت دو سال و نیم در تحقیق مسائل شرعیه خود به مولانای مذکور رجوع می نمودند با آنکه او را در علم فقه مهارتی نبود و از کتب شیعه کتابی مبسوط نداشت، به مقتضای عقل سلیم، آنچه به خاطر اومی رسید در جواب استفتای ایشان می نوشت و چون شیخ اجل متعالی علی بن عبدالعالی به کاشان آمد و با مولانای مذکور ملاقات واقع شد، و مضمون فتاوی مولانا را بوجه مذکور شنیده، حکم فرمودند تا جمیع نوشتهها ایشان را جمع کردند و بعد از تأمل و مطالعه ظاهر شد که آن فتاوی موافق قول معمول مفتی به، فقههای امامیه است... و فرمودند این موافقت... دلیل صحت و قاعده حسن و قبح عقل است که

طایفه امامیه و معتزله بر آن رفته‌اند...» (۱)
 نزدیک به همین حکایت در کتاب محافل المؤمنین آمده و افزوده شده
 است که «چون مولانا ... از علمای اهل باطن می‌بود فرار ننموده» (۲)
 مؤلف روضات الجنان نقل می‌کند که خضری گفت: «چرا» از برای دو سه
 عرب ... برهنه ، مرد فاضل همچون من کشته شود؟» (۳)
 نوشته اند خضری در اوایل حال سنی شاقمی بود ، بعداً بمذهب تشیع
 گروید . (۴)

مؤلف «ذریعه» می‌نویسد :

«محمد بن احمد الخضری ، معاصر المحقق الکرکی و معتمده المتوفی
 ۹۵۷ .» (۵)

سیدجلال‌الدین تهرانی درباره خضری نوشته: «شمس‌الدین محمد بن
 احمد الخضری از محققین اسلام است که در هیئت ریاضی نیز قوی بوده و در کاشان
 می‌زیسته است» (۶)
 مرحوم سعید نفیسی نوشته: خضری نخست در شیراز سپس در کاشان

۱- نسخه خطی کتاب مجالس المؤمنین ، کتابخانه ملک .

۲- محافل المؤمنین، تألیف محمد شفیح‌الحسینی، نسخه خطی شماره ۲۹۵
 آستان قدس رضوی.

۳- روضات، حاشیه ص ۶۴۶.

۴- از جمله در سخن سرایان پارس ، مؤلف رکن زاده آدمیت ، ج ۳،
 ص ۲۹۸ که گویا از کتاب نفیس ریاض‌العلماء نقل می‌کند. در کتاب ریاض‌العلماء
 آمده است که «کان اولاً سنیاً ، ثم صار فی زمن السلطان شاه طهماسب شیعیاً...»
 (نسخه خطی شماره ۳۶۵۴ ملک ، ورق ۱۱۳).

۵- ذریعه ، ج ۴ ، ص ۴۰۹.

۶- گاهنامه ۱۳۱۱ ، ص ۱۶۳ .

زندگی می‌کرده و از دانشمندان نامی زمان خود در حکمت و ریاضیات و هیئت و نجوم بوده .

در حاشیه کتاب روضات به نقل از سید جزایری مؤلف انوار ؛ مطلب مجالس المؤمنین را درباره نظر خفری نسبت به خلفای ثلاث ؛ به مولانا دوانی نسبت داده شده (۱) .

وفات و مدفن خفری :

در سال وفات خفری اختلاف است ولی آقای سید جلال تهرانی نقل می‌کند که در پشت نسخه خطی کتاب منتهی الادراک خفری ثبت شده که خفری روز یکشنبه ۲۸ صفر ۹۴۲ هجری قمری در گذشته و قبرش در کاشان خارج درب عطا ، در حوالی مقبره مقصود بیگ ، در زمین خواجه مظفر مخدوم

است. (۲) با این حساب وفات خفری ، در عصر سلطنت شاه طهماسب روی داده است .

در سخن سرایان پارس دو قول درباره سال درگذشت خفری نقل شده ۹۵۷ و ۹۳۵ [قول اخیر گویا از ذریعه اخذ شده] و مؤلف بزرگان شیراز (۳) فوت خفری را نهصدوسی و اند ذکر کرده (بدون ذکر مأخذ) که این هر سه نادرست و قول مؤلف گاهنامه یعنی سال ۹۴۲ صحیح است .

از جمله آثار کاشان در بقاع قدیمی بیرون دروازه عطا ، معروف به مقصود بیگی است که علامه خفری نیز در آنجا دفن است و دارای کاشیهای

۱- روضات ، ص ۱۳۵ .

۲- گاهنامه ۱۳۱۱ ، ص ۱۶۳ و برای امامزاده عطا بخش رجوع شود به :

تاریخ کاشان ، تهران ، ۱۳۴۱ ، ص ۴۳۱ .

۳- بزرگان شیراز رحمت الله مهر از ، انجمن آثار ملی ، تهران ، ۱۳۴۸ ،

قدیمی و سنگهای مرمر و درهای مثبت کاری بوده که گویا شیادان این محل را نیز از دستبرد ایمن نداشته‌اند» (۱) .

شاگردان خفری :

معلوم است که عده زیادی از ریاضی دانان و حکماء قرن دهم هجری از خرمن دانش و حکمت علامه خفری خوشه چینی کرده‌اند از جمله شاگردان مشهور خضری «سید شاه طاهر بن رضی الدین اسماعیل حسینی» است که حکمت و کلام را نزد خفری خوانده (۲) .

این شاگرد به تحریک میر جمال الدین حیدر استرآبادی به بیدینی موسوم شد و به اشاره میرزا شاه حسین اصفهانی (وزیر شاه اسماعیل صفوی) به هند فرار کرد و در سال ۹۵۲ قمری در شهر احمد نگر هند درگذشت ، نامه ای از این شاگرد برای خفری ، تحت شماره ۲۵۹۱ (مجموعه) در کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان است . [ضمناً برای تفصیل به روضات الجنان رجوع شود .]

تجلیل از خفری : مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

در سال ۱۳۵۰ ، برای بزرگداشت دانشمندان و معارف و سخنوران ایرانی ، فهرستی از ایشان فراهم شد و نشریافت . نام مولانا شمس الدین خفری نیز در این فهرست یاد شده است . امید است شهرداری شهرستان جهرم نیز برای تجلیل از علامه خفری ، یکی از خیابانهای شهر را بنام او نامگذاری کند .

- ۱- آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز ، تهران ، ۱۳۴۸ ، ص ۱۸ .
- ۲- کار نامه بزرگان ، انتشارات رادیو ایران ، طبع ۱۳۴۰ ، ص ۲۲۰ .

آثار و مؤلفات خفزی :

علامه خفزی آثار و مؤلفات متعددی دارد که در کتب مختلف نام برده شده است (۱) در اینجا از آنها یاد می‌شود:

۱- شرح تذکره

نام کامل این کتاب «التکمله فی شرح التذکره» است. دانشور فرزانه استاد جلال همائی نوشته است: «... متن آن از خواجه نصیر طوسی است، تألیف ۶۵۷ یا ۶۵۹ قمری و برای کتاب چهار شرح نوشته‌اند که آخرین آنها شرح خفزی است... موسوم به تکمله که تاریخ اتمام تألیفش محرم ۹۳۲ قمری است و دو شرح دیگر یکی از نیشابوری است، یعنی نظام‌الدین اعرج از علمای اوایل مایه نهم و دیگر از میر سید شریف جرجانی است متوفی ۸۱۶ قمری، که خفزی از آن نام میبرد. شارح دیگر نظام‌الدین ملا عبدالعلی بیرجندی از افاضل علمای ریاضی و هیئت و نجوم قرن دهم هجری است که در سنه ۹۳۴ و بقول بعضی ۹۳۴ وفات یافته و از مصنفاتش آثار گرانبها بما رسیده است، و از آن جمله شرح زیج‌الغ بیگ و شرح بیست و بیست باب اسطرلاب و همین شرح تذکره در هیئت استدلالی... شرح تذکره خفزی از کتب درسی این حقیر بوده که عمری بر سر آن گذاشته و از فصل حل لاینحلش، جز عقده‌های لاینحل ثمری بر نداشته‌ام.» (۲) ادامه دارد

۱- از جمله هدیه‌المعارفین و روضات الجنات و تذکرة الحکماء (نسخه خطی ۲۹۸ کتابخانه ملی) و الکنی واللقاب شیخ قمی (ج ۲، ص ۱۹۵) و مجالس المؤمنین و کارنامه بزرگان ایران و طرائق الحقایق (ج ۳، ص ۱۳۳) و ریاض الجنه زنوزی (نسخه خطی شماره ۴۳۸۰ ملک).

۳- خیامی نامه، همائی، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۴۶